



قسمت دوازدهم

# امام راحل سلام الله عليه

## وفقه سنتی

آیت الله محمدی گیلانی

- \* عمده سبب بی اعتباری و انزواء اخباریین.
- \* کلام محمد امین استرآبادی و سید جزائری و صاحب حدائق رحمة الله عليهم، جواب شبهات آنها.
- \* توجیه عدم اعتماد به عقل بوسیله روایات در اینکه وساطت معصوم در تبلیغ احکام در وجوب اطاعت دخیل است.
- \* رد این توجیه، بعدم دلالت روایات بر این مدعا بلکه مدلول آنها منع از استبداد در مقام استنباط به عقول ناقصه است.
- \* طائفه ظاهریین در حوزه اهل سنت بمنزله اخباریین در حوزه شیعه امامیه هستند.
- \* داودبن علی اصفهانی مؤسس مذهب ظاهری است.
- \* مذهب ظاهری رد الفعل و بازتاب در مقابل اهل قیاس و رأی بوده.
- \* معرکه آتشین در مقابل مذهب ظاهری از جانب مذاهب حنفی و مالکی و شافعی.
- \* حمایت جنابله از آن.
- \* اوج گیری مذهب ظاهری در اندلس و مغرب زمین بوسیله ابن خزم.
- \* مذهب ظاهری همانند مذهب اخباری، جامد و انبساط ناپذیر بوده، از حل مسائل حادثه عاجز و ناتوان بود، لاجرم منزوی گردید.

منی بر مقدمه دقیق و شریفی است که به توفیق الهی بر آن واقف گردیده‌ام و آن مقدمه این است که علوم نظریه بر دو قسم است قسمی به ماده قریب به احساس منتهی می‌شود، و از این قسم است، علم هندسه و حساب و بیشتر ابواب منطق، و در این قسم، خلاف بین علماء و خطا در نتیجه افکار واقع نمی‌شود، زیرا خطا در فکریا از جهت صورت قیاس است یا از جهت ماده. خطا از جهت صورت از علماء ناشی نمی‌شود، چه شناخت صورت قیاس برای ذهنهای مستقیم از واضحات است. و خطا از جهت ماده در این علوم نامبرده، تصور ندارد، زیرا مواد آنها قریب به احساس است. و قسمی دیگر به ماده بعید از احساس، منتهی می‌گردد، و از این قسم است، حکمت الهی و طبیعی و علم کلام و علم اصول فقه و مسائل نظریه فقه، و بعضی از قواعد منطق، و از این رو است که بین علماء این علوم

گفتیم عمده چیزی که روش اخباریین ما را بی اعتبار و آنان را منزوی ساخته، حذف عقل که پایه اساسی سمع و نقل است، از میان استدلال و احتجاج در غیر ضروریات، چنانکه در مقاله پیشین گذشت آنان مدعی هستند که قطع حاصل از مقدمات قطعیه عقلیه غیر ضروریه، اعتبار ندارد، چون در معرض خطا و اشتباه است و شیخ اعظم رضوان الله علیه با «خیر الکلام قل ودل» باین شبهه پاسخ دادند که ملاحظه فرمودید.

سپس شیخ بزرگوار می‌فرماید: بعد از ذکر این شبهه و جواب، به کلامی که از فوائد مدنیّه محمد امین استرآبادی حکایت شده برخوردم، او در شمار استدلال‌هایی که بر انحصار دلیل در غیر ضروریات دینیّه در مسوعات از معصومین علیهم السلام کرده است می‌گوید: «دلیل نهم





بقيه از داستان مهاجرت به مدینه

عَلَى مَا سِوَاهُ مِنْ أَحَادِيثِ النَّاسِ، إِنَّهُ أَخْسَنُ الْحَدِيثِ وَأَبْلَغُهُ، أَحْبَبُوا مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ، أَحْبَبُوا اللَّهَ مِنْ كُلِّ قَلْبٍ مِنْكُمْ | وَلَا تَمْلِكُوا كَلِمَةَ اللَّهِ وَذِكْرَهُ وَلَا نَفْسًا عَنْهُ قُلُوبِكُمْ | فَإِنَّهُ مِنْ كُلِّ مَا يَخْلُقُ اللَّهُ | يَخْتَارُ وَتَضَلُّفِي، فَقَدْ سَمَّاهُ خَيْرَتَهُ مِنَ الْأَعْمَالِ وَخَيْرَتَهُ مِنَ الْعِبَادِ، وَالصَّالِحِ مِنَ الْحَدِيثِ، وَمَنْ كُلُّ مَا أُوتِيَ النَّاسُ مِنَ الْخَلَالِ وَالْحَرَامِ، فَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَاتَّقُوهُ حَقَّ تَقَاتِيهِ، وَأَصْدَقُوا اللَّهَ صَالِحِ مَا تَقُولُونَ يَا قَوْمِ هَيْكُمُ، وَتَحَاثَبُوا بِرُوحِ اللَّهِ بَيْنَكُمْ، إِنَّ اللَّهَ يَنْصِبُ أَنْ يَنْتَكِبَ عَهْدَهُ. وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

یعنی - براستی که حمد و ستایش مخصوص خدا است، او را ستایش نموده و از وی کمک میجوییم، پناه بخدا میبریم از بندیهایی نقسهامان و کارهامان، هر که را خدا هدایت کند گمراه کننده ای ندارد و کسی را که خدا گمراه کند هدایت کننده ای ندارد، و گواهی دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست یکتائی که شریک ندارد.

براستی که بهترین داستانها کتاب خدا است، و به حقیقت راستگار است کسی که خدا آنرا در دلش آرایش دهد، و او را پس از کفر در اسلام درآرد، و قرآن را بر داستانهای دیگر مردم برگزیند، براستی که قرآن بهترین داستانها و رساترین آنها است.

دوست بدارید هر که را خدا دوست دارد، خدا را با تمامی دل دوست بدارید، از سخن خدا و یاد او خسته و ملول نشوید و دلها تان از یاد او سخت نشود، که خداوند از هر آنچه آفریده انتخاب کرده و برگزیده و برگزیده های اعمال و برگزیده گان بندگانش را نام برده و نیز داستانهای شایسته را و هر آنچه از حلال و حرام بمعردم داده شده، پس خدا را پرستش کنید و چیزی را شریک او قرار ندهید و بدانگونه که شایسته تقوای الهی است تقوا پیشه کنید، و با شایسته ترین گفتار زبانی تان با خدا به صداقت و راستی سخن گوئید. و

بوسیله روح الهی میان خود دوستی برقرار کنید، که برایشی خداوند خشمگین شود که پیمانانش شکسته گردد. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

### یک تذکر فقهی

بنظر میرسد این نقل دوام صحیح تر باشد، زیرا مشهور میان علمای شیعه و اهل سنت آنست که در نماز جمعه خواندن دو خطبه واجب است بجای دو رکعتی که کم میشود، و عموم علماء خواندن یک خطبه را کافی نمیدانند، مگر اینکه کسی بگوید: در آنروزهای نخست هنوز این حکم مانند بسیاری دیگر از احکام تشریح نشده و یا یک خطبه در روایات نقل نشده است والله العالم.

ادامه دارد

(۱) سیره ابن کثیر، ج ۱ ص ۲۸۰.

(۲) صحیح بخاری، ج ۴ ص ۲۲۴ باب فضل دوران اعتبار، سیره ابن کثیر، ج ۱ ص ۲۸۱.

(۳) وفاء الوفاء، سیهودی، ج ۱ ص ۲۵۳-۲۵۴.

(۴) سوره توبه، آیه ۱۰۸ - یعنی مسجدی که از نخستین روز بنیان آن با پرهیز کاری نهاده شده منواعتراست که در آن به اینی ...

(۵) وفاء الوفاء، سیهودی، ج ۱ ص ۲۵۰-۲۵۱.

(۶) وفاء الوفاء، ج ۱ ص ۲۵۱.

(۷) بنظر می رسد با توجه به آیاتی امثال آیه شریفه «وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَإِذَا تَدَايَعْتُمْ بَيْنَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ الَّذِي هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُكْسِرُونَ» نامگذاری روزهای هفته فرشته پیش از آن صورت گرفته ... که باید در جای خود روی این مطلب تحقیق بیشتری شود.

(۸) مجمع البیان، ج ۵ ص ۲۸۶.

(۹) بحار الأنوار، ج ۱۹ ص ۱۰۸.

(۱۰) مجمع البیان، ج ۵ ص ۲۸۶.

(۱۱) سیره ابن هشام، ج ۱ ص ۵۰۰، سیره النبویه ابن کثیر ج ۲ ص ۳۰۱.

بقيه از امام راحل (س) وفقه سنتی

برخی که به تکلف خود را به آنها منتسب می سازند، در این کتب، به تحقیق می پردازند و در پایان، سود چندانی عایدشان نمی گردد... (مقدمه ابن خلدون، طبع لبنان ص ۸۰۶).

ادامه دارد

۱- در مقدمه عاشره که اعتماد به عقل را از رؤساء مذهب مانند سید مرتضی و محقق بزرگ علیهما الرحمة نقل می کند می گوید: ندیدم کسی به این مذهب طعن زده باشد مگر سید نعمت الله جزائری در کتاب انوار نعمانیه که اذاع حق نموده و گفته: اکثر اصحاب ما

پیروی از مخالفین ما که اهل رأی و قیاسند کرده اند و همچنین از طبیعتین و فلاسفه و آنهایی که بر استدلالهای عقلی اعتماد دارند، متابعت نموده اند، چه آنان، آنچه را که پیمبران آورده اند و طبق عقولشان نبوده طرح و نادیده گرفته اند، و حتی نقل شده که عیسی (علی نبیا و آله و علیه السلام) هنگامی که افلاطون را بر شریعت خویش دعوت فرمودند او جواب گفت که جناب عیسی فرستاده خدایتعالی برضعفاء عقول است و اقامن و امثال من در معارف، نیازتی به ارسال انبیاء نداریم (افلاطون درسته ۴۲۷ قبل از میلاد مسیح در آتن متولد شده این نقل افترائی است بر آن حکیم ربانی) در حدائق بعد از نقل کلام سید جزائری که مخلوط به افتراء هائی است، می گوید: در این مقال یعنی پرخاش به اصحاب براهین، امام رازی بر سید مذکور سبقت دارد، سپس کلام امام المشککین را ذکر می کند که معلوم می شود آقای رازی معنای «آن» را درک نکرده اند. (ج ۱ ص ۱۲۹-۱۲۵).